

نام و نام خانوادگی : سوالات درس : فارسی ۳ پایه / رشته : دوازدهم		بسمه تعالی مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ۴ قم دبیرستان غیر دولتی دخترانه هدی متوسطه دوم آزمون نوبت اول (دی ماه) سال تحصیلی ۴۰۲-۴۰۱ تعداد صفحه : ۱ تعداد سوال : ۵		تاریخ تصحیح : ۴۰۱/۱۰/ نمره : با عدد () نمره با حروف : () امضای دبیر :	
ردیف		شرح سوالات		شمارک	
قلمرو زبانی ۷ نمره					
۱	معنای «محتسب» در عبارت « به بانگ چنگ مخور می که محتسب تیز است» در کدام گزینه درست آمده است؟ الف) شبگرد ○ ب) ناظر اجرای احکام دین ✓				
۲	«کمال توجه بنده به حق و یقین براینکه خداوند در همه احوال،عالم بر ضمیر اوست» تعریف کدام اصطلاح عرفانی است؟ الف) مکاشفت ○ ب) مغان ○ ج) مراقبت ✓ د) اشتیاق ○				
۳	در کدام جمله مسند وجود دارد؟ زیر آن خط بکشید. الف) فقط یک دلخوشی داشت که پسرش با کوشش و تلاش درس می خواند. ○ ب) محبت چون به غایت رسد آن را <u>عشق</u> خوانند. ✓				
۴	فعل های مشخص شده را از نظر کاربرد معنایی بررسی کنید. زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هرچه گوید، جای هیچ اکراه نیست اسنادی ندارد غیر اسنادی				
۵	معنی واژه های مشخص شده را در کمانک بنویسید. تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته. (بلند) سموم سرد این عقل بی درد و بی دل (باد گرم و مهلک)				
۶	با توجه به عبارت سؤالات را پاسخ دهید. « به خاطر داشتم دامنی پر کنم هدیه اصحاب را چون برسدیم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.» الف) نوع (را) چیست ؟حرف اضافه ب) (م) در «گلم» چه نقشی دارد؟ مفعول پ) یک ترکیب اضافی بیابید. یک مورد کافیست				
۷	املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف) آن روز سیصد تومان تهیه کرده بودم که به تهران بیایم و این مخارج (غریب-قریب) شش ماه من بود. ب) پس از او عموی بزرگم که برجسته ترین شاگرد (حوزه -حوضه) ادیب بزرگ بود به مزینان بازگشت. پ) واصفان حلیه جمالش به تحیر (منسوب-منسوب) که: ماعرفناک حق معرفتک ت) نتوان (شبه-شبح) تو گفتن که تو در وهم نگنجی				
۸	غلط های املايي را بیابید و درست آنها را بنویسید. الف) بر روی بام خانه، خسته از نشئه خوب و پاک آن اصرا در بستر خویش به خواب رفتم. اسرا ب) باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خان نعمت بی دریغش همه جا کشیده. خوان پ) درخبر است از سرور کاینات ومفخر موجودات وسفوت آدمیان محمد مصطفی(ص) صفوت ت) گفت: از بحر غرامت،جامه ات بیرون کنم / گفت:پوسیده است جر نقشی ز پود وتار نیست. بهر				

۱	در بیت «خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران گُنش آن خانه که بیت الحزن است» الف) بیت چند جمله است؟ سه جمله ب) نقش دستوری (آباد) چیست؟ مسند پ) یکی از ارکان حذف شده را بیابید و نوع آن را بنویسید. آن خانه-به قرینه لفظی
۱/۲۵	با توجه به جمله زیر به پرسش ها پاسخ دهید. دانش آموز پایه دوازدهم با حجاب کاملاً پوشیده در هوای خنک بهاری کوهپیمایی کردند. الف) کدام واژه قید صفت است؟ کاملاً ب) کدام واژه صفت صفت است؟ بهاری پ) کدام واژه ها متمم است؟ حجاب-هوا ت) کدام واژه صفت مضاف الیه است؟ دوازدهم
قلمرو ادبی ۵ نمره	
۰/۲۵	در بیت « در دفتر زمانه فتد نامش از قلم / هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت » کدام آرایه وجود ندارد؟ الف) کنایه ب) مراعات نظیر ج) تشبیه د) ایهام ☒
۰/۵	نام پدید آورندگان هر یک از آثار را بنویسید. الف) فیه ما فیه : مولوی ب) تمهیدات : عین القضات همدانی
۰/۵	برای هر یک از شخصیت های یک اثر بنویسید. الف) محمدابراهیم باستانی : از پاریز تا پاریس ب) عطار نیشابوری : تذکرة الاولیا
۰/۵	در بیت زیر واژه های مشخص شده، نماد چیست؟ ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز عاشق پرمدها عاشق حقیقی واصل کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
۰/۵	با توجه به بیت « برکش ز سر این سپید معجر / بنشین به یکی کبود اورند » الف) « سپید معجر » استعاره از چیست؟ برف ب) « اورند » مجاز از چیست؟ فرّ و شکوه
۱/۷۵	آرایه مشترک ابیات زیر چیست؟ توضیح دهید. بین دو مصرع ارتباط معنایی بر پایه تشبیه برقرار است. می توان جای دو مصرع را عوض کرد. عشق بر یک فرش بنشانند گدا و شاه را سیل، یکسان می کند پست و بلند راه را محرم این هوش جز بیهوش نیست مر زبان را مشتری جز گوش نیست اسلوب معادله
۱	در هر کدام از گزینه های زیر آرایه خواسته شده را بیابید و نشان دهید. ب) نی حریف هر که از یاری برید / پرده هایش پرده های ما درید (جناس همسان) پرده موسیقی-پرده درید: رسوایی پ) با شیر سپهر بسته پیمان / با اختر سعد کرده پیوند (استعاره) شیر سپهر: استعاره از خورشید پ) پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد. (تشبیه-سجع) اضافه تشبیهی سجع سجع
۱	ابیات زیر را کامل کنید. گفتی: « به روزگاران مهری نشسته » گفتم : ببرون نمی توان کرد حتی به روزگاران پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند در مکتب حقایق پیش ادیب عشق هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی دست از مس وجود جو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی

۰/۲۵	۱	دربارهٔ ارتباط معنایی عبارت و بیت زیر، توضیح دهید. در را عشق باید از خود گذشت و ایثار کرد « در عشق قدم نهادن کسی را مسلّم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند و خود را ایثار عشق کند.» « من که هر آنچه داشتم، اوّل ره گذاشتم / حال برای چون تویی اگر که لایقم بگو»
۰/۵	۲	مفهوم مشترک موارد زیر را بنویسید. همه پدیده های جهان هستی در حال تسبیح و ستایش خداوند هستند - من نمازم را وقتی می خوانم / که اذانش را باد گفته باشد سر گلدستهٔ سرو / من نمازم را پی تکبیره الاحرام علف می خوانم / پی قد قامت موج - حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخرهٔ سنگش و سنگریز هایش آیات وحی را بر لب دارد و زبان گویای خدا می شود.
۰/۵	۳	در عبارت زیر منظور نویسنده از بخش های مشخص شده، چیست؟ گرم تماشا و غرق در این دریای سبز معلّقی که بر آن مرغان الماس پر، تک تک از غیب سر می زنند. آسمان ستارگان
۰/۵	۴	در بیت زیر شاعر بر چه موضوعی تأکید دارد؟ وقتی عملی حرام باشد، کم و زیاد شدن تأثیری در تغییر حکم آن ندارد و مأمور گفت: می بسیار خوردی، زان چنین بی خود شدی گفت: ای بیهوده گو، حرف کم و بسیار نیست! از آن بی خبر بود
۰/۷۵	۵	مفهوم کلی بیت و عبارت زیر را بنویسید. الف) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد / هر که بی روزی است، روزش دیر شد اشتیاق پایان ناپذیر عاشق ب) امپراطوری های بزرگ هم مانند آدم های ثروتمند معمولاً از سوء هاضمه می میرند. زیاده روی و طمع امپراتوری ها موجب نابودی آنها شد
۰/۵	۶	بیت های زیر را بخوانید و به پرسش ها پاسخ دهید. نی نی تو نه مشّت روزگاری ای کوه نی ام ز گفته خرسند تو قلب فسردهٔ زمینی از درد ورم نموده یک چند تا درد و ورم فرو نشیند کافور بر آن ضماد کردند الف) چرا شاعر از تشبیه دماوند به مشّت روزگار ناخرسند است؟ زیرا او را قلب افسرده زمین می داند که از درد ظلم و ستم ها ورم کرده ب) منظور از «ورم» و «کافور» در بیت سوم چیست؟ ورم: برآمدگی قله کوه - کافور: برف روی قله پ) در بیت سوم، از نظر شاعر، چرا برف بر روی قلهٔ دماوند نشسته است؟ برای اینکه مرهمی بر درد و ورم او باشد
۰/۵	۷	سروده ها و نوشته های زیر را به نثر روان بنویسید. الف) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد. جنون و شیدایی عشق با ارزشتر از هر اندیشه وری در جهان است ب) به عالم عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایهٔ نردبان نسازد. رسیدن به عشق با کمک شناخت و مهربانی ممکن می شود این دو پایه نردبان برای رسیدن به عشق است پ) یک روز دنیایی به روم چشم داشت و از آن چشم می زد. یک روز مردم دنیا به حکومت و پادشاهی روم توجه داشتند و از آن می ترسیدند ت) عصا را تاکی به قدرت او شهد فایق شده. شیره انگور به واسطه قدرت خداوند به شیرینی ممتاز و برتر تبدیل شده است ث) (برکن ز بن این بنا که باید از ریشه بنای ظلم برگند از پایه و اساس این بنا را ویران کن زیرا بنای ظلم را باید از ریشه نابود کرد ج) آن کسی را که در این مَلک، سلیمان کردیم مَلّت امروز یقین کرد که او اهرمن است آن کسی را که در این کشور به پادشاهی رساندیم و او را چون سلیمان می دانستیم اکنون ملت یقین کرده اند که اهریمن است چ) من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش حالان شدم من ناله عشق را برای تمام انسان ها سر داده ام و با سالکان کندرو و رهروان تندروی شادمان از سیر و سلوک همراه گشتم

